

Analysis of Documentaries “Madarkoshi” and “Korbal” from the Perspective of Human Ethical Responsibility in Interaction with the Environment

Hamid Shahmoradi

MA in Media Production, Department of Media Arts, Faculty of Religious Studies in Media,
IRIB University, Qom, Iran. hamid3shahmoradi@gmail.com

Mohsen Karami

Assistant Professor, Department of Media Arts, Faculty of Religion and Media, IRIB
University, Qom, Iran (Corresponding Author). mohsenkarami@gmail.com

Abstract

Objective: This research analyzes the depiction of human ethical responsibility in environmental interactions within the documentaries *Madarkoshi* and *Korbal*.

Research Methodology: The study adopts a semiotic approach, employing archival data and media documents. Pierce’s semiotic framework—comprising symbols, indexes, and icons—was used for analysis.

Findings: The documentaries highlight ethical themes such as drought crises, deforestation, and air pollution through symbolic and indexical representations. These visual elements underscore the environmental challenges and the necessity for ecosystem restoration and care.

Discussion and Conclusion: The analysis underscores the critical role of environmental ethics at both governance and public levels. Filmmakers

Cite this article: Shahmoradi, Hamid; Karami, Mohsen (2025). Analysis of Documentaries “Madarkoshi” and “Korbal” from the Perspective of Human Ethical Responsibility in Interaction with the Environment. *Religious Studies in Media*, 7(25): 60-86. <https://doi.org/10.22034/jmrs.2025.217370>

Received: 2024/05/31 Revised: 2024/08/22 Accepted: 2024/08/28 Published online: 2025/05/07

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: IRIB University



effectively use semiotic elements to convey ethical concepts, aligning with the visual nature of the documentary medium.

Keywords: Environment, Ethical Responsibility, Documentary Film, Semiotics, Media.

تحلیل مستندهای مادرکشی، گُربال از منظر مسولیت اخلاقی انسان در تعامل با محیط‌زیست

حمید شاهمرادی

کارشناسی ارشد تولید سیما، گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده مطالعات دینی رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران.

hamid3shahmoradi@gmail.com

محسن کرمی

استادیار گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mohsenkarami@gmail.com

چکیده

هدف: این تحقیق در صدد تحلیل مستندهای تلویزیونی از منظر مسولیت اخلاقی انسان در تعامل با محیط‌زیست است.

روش‌شناسی پژوهش: روش این تحقیق روش نشانه‌شناسی است و از داده‌های آرشیوی و اسناد رسانه‌ای استفاده شده و شیوهی تحلیل نشانه‌شناسی هم شیوهی پیرس است.

استناد به این مقاله: شاهمرادی، حمید؛ کرمی، محسن (۱۴۰۴). تحلیل مستندهای مادرکشی، گُربال از منظر مسولیت اخلاقی انسان در تعامل با محیط‌زیست. مطالعات دینی رسانه، ۷(۲۵): ۶۰-۸۶.

<https://doi.org/10.22034/jmrs.2025.217370>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

ناشر: دانشگاه صدا و سیما

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



یافته‌ها: در فیلم‌های مستند منتخب ارزش‌های اخلاقی و هنجارها از طریق سه عنصر نشانه‌شناسی (پیرس) نماد، نمایه و شمایی به کار رفته است و از این راه سه عنصر مضامین بحران خشکسالی دریاچه‌ها و منابع زیرزمینی، قطع درختان و جنگل‌خواری، آلودگی هوا مورد تحلیل قرار گرفته است. طبق یافته‌های تحقیق سه موضوع بحران‌های محیط‌زیستی، لزوم مراقبت و همچنین احیای محیط‌زیست در دو فیلم "مادرکشی و گریبال" به تصویر کشیده شده است. این دو فیلم برای به تصویر کشیدن مسئولیت اخلاقی بیشتر از نمایه‌ها استفاده کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری: این تحقیق با تحلیل و بررسی فیلم‌های منتخب به این نتایج رسیده است که عدم رعایت اخلاق زیست‌محیطی در سطح حاکمیتی، با تصمیمات غلط و بدون دانش کافی و در سطح دوم عدم آگاهی از نحوه‌ی مصرف منابع توسط مردم باعث بروز بحران‌ها در موضوع محیط‌زیست شده است. و نیز استفاده‌ی فیلم‌سازان از عناصر نشانه‌شناسی در فیلم‌ها برای انتقال مفاهیم به صورت تصویری که ماهیت فیلم می‌باشد بسیار کاربردی و مهم می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست، مسئولیت اخلاقی، فیلم مستند، نشانه‌شناسی، رسانه.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروزه، بحران زیست‌محیطی است که جامعه بشری با آن مواجه است. گرچه محیط‌زیست بستر حیات اجتماعی انسان و همچنین حیات سایر مخلوقات است که در این جهان زیست می‌کنند، اما متأسفانه طی سال‌های متمادی و به ویژه سال‌های اخیر آماج تخریب‌های جبران‌ناپذیر قرار گرفته است؛ اکنون بخش‌های مهمی از آن یا در معرض نابودی است یا به طور کامل نابود شده است. بنابراین، وخامت این بحران تا حدی است که حیات انسانی و سایر موجودات برکره خاکی را، به مخاطره انداخته است، که علت عمده آن ناشی از دخالت‌های انسان در روند تغییرات طبیعی آن است.

عامل اصلی این نابسامانی‌ها و تخریب‌ها و از بین رفتن منابع و آسیب‌ها، دور شدن

انسان‌ها از معارف الهی و اخلاق دینی است. بشر منفعت طلب، برای آسایش خود بی‌رحمانه به جان طبیعت افتاده و این واقعیت را فراموش نموده است که دارایی‌های طبیعی و خدادادی، به بیان نورانی قرآن کریم، هم محدود است (محقق داماد ۱۳۹۳: ۷۷). این موضوع در منابع دینی ما نیز پراهمیت ظاهر شده است. همان‌طور که آیت‌الله جوادی آملی در کتاب مفاتیح الحیات تعامل انسان را به ۵ دسته تقسیم می‌کنند: ۱- تعامل انسان با خود ۲. تعامل انسان با هم‌نوعان ۳. تعامل مردم و نظام اسلامی ۴. تعامل انسان با حیوان ۵. تعامل انسان با خلقت محیط‌زیست. با توجه به اینکه حق زندگی، حق آزادی، حق بهداشت، حق داشتن و ساختن مسکن، حق بهره‌برداری از طبیعت برای تأمین نیازهای غذایی و بسیاری دیگری از حقوق انسانی، وابسته به وجود محیط‌زیست سالم است، می‌توان حق استفاده از محیط‌زیست و حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم را بر بسیاری دیگر از حقوق مقدم دانست. گرچه امروزه اهمیت داشتن محیط‌زیست سالم و پایبندی به حفظ سلامت محیط‌زیست امری روشن است، متأسفانه بهره‌گیری نادرست از منابع و رفتار مخاطره‌آمیز محیط‌زیستی توسط بشر، بحران‌ها و چالش‌های مختلفی را برای زندگی او ایجاد کرده است.

یکی از نهادهایی که می‌تواند این چالش‌ها و خطرات را به تصویر بکشد رسانه است. در این خصوص تلویزیون یکی از مؤثرترین رسانه‌ها در بیان هنجارهای اخلاقی زیست‌محیطی است. تلویزیون در مسیر تکامل خود همواره قالب‌های متعدد برنامه‌ای را دستمایه رشد و حضور مضاعف خود در میان توجه مخاطبان قرار داده است، یکی از قالب‌ها مستند است. مستندها شکل نمایشی نیرومندی برای کندوکاو در واقعیت است و خیلی زود در تلویزیون جایگاه خود را یافتند.

مستندهای تلویزیونی برای انتقال مفاهیم و پیام‌های مدنظر خود، با رویکرد خلاقانه در شیوه‌ی روایت و قصه‌گویی بستر مناسب و جذابی هستند که می‌تواند محملی مناسب برای انعکاس مسئولیت‌های اخلاقی انسان باشند. این مهم را علاوه بر خطاب‌های مرسوم در برنامه‌های متعدد تلویزیونی از جمله اخبار و برنامه‌های گفت‌وگو محور، به‌طور معمول مستندهای تلویزیونی برعهده دارند و طی سال‌های اخیر بر اساس موضوعاتی مرتبط ساخته و

پخش شده‌اند. اینگونه مستندها طبیعت جمادی، حیوانی و نباتی را به تصویر کشیده‌اند. بر این اساس می‌توان از همین سه منظر مسئولیت اخلاقی انسان در تعامل با محیط‌زیست را تحلیل نمود.

تحقیق حاضر با همین رویکرد سه وجهی به تحلیل مستندهای «مادرکشی»، «کربال» پرداخته است. در این آثار مستند از سه منظر به مسئولیت اخلاقی اشاره شده است. که عبارتست از:

۱- عواقب ترک مسئولیت اخلاقی زیست‌محیطی توسط مردم و مسئولان ۲- مسئولیت اخلاقی در جهت جلوگیری از نابودی بیشتر محیط‌زیست و مراقبت از آن ۳- مسئولیت اخلاقی در جهت احیاء محیط‌زیست مانند احیا کردن دوباره‌ی تالاب‌ها.

پیشینه

۱. زهرا تابشان (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان "تعامل انسان و محیط‌زیست در حوزه‌های اخلاق فلسفی و فلسفه اخلاق" انجام داده است. او در این تحقیق مسائل نوپدید اخلاقی در زمینه محیط‌زیست را بررسی کرده است. این مسائل اخلاقی، رابطه انسان با محیط‌زیست، شناخت طبیعت توسط انسان، احساس مسئولیت در خصوص آن، آلودگی، نقش جمعیت بر محیط‌زیست و نظارت بر آن، لزوم توجه به سهم نسل‌های بعدی در استفاده از محیط‌زیست، حفاظت از گونه‌های جانوری و حیات‌وحش، تولید و مصرف انرژی و برخی دیگر از ریزموضوعات را در برمی‌گیرد.

۲. مهرداد مجد (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "مطالعه رویکرد زیست‌محور در تعلیم و تربیت بر مبنای دیدگاه اسلام" انجام داده است. این تحقیق در اشاره به پیامدهای خسارت‌بار استفاده بی‌رویه از محیط‌زیست، شیوع استفاده از آلاینده‌ها، گسترش و پیشرفت تخریب محیط‌زیست برای ایجاد توسعه اقتصادی، به رویکردهای جهانی در قبال اینگونه مخاطرات توجه شده است. در همین راستا به ضرورت گردآوری مجموعه اصول اخلاقی در تعامل با محیط‌زیست اشاره شده است.

۳. علی اکبر ضیایی فر (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان "بررسی مبانی فقهی حفظ محیط زیست" انجام داده است. این پژوهش با دیدگاهی نوین به مطالعه و تحقیق در خصوص قواعد و اصول الهی در جهت حفظ و تداوم حیات بشری در این جهان پرداخته و جایگاه محیط زیست آدمی و مسایل مربوط به آن را در اسلام بدست آورده؛ در نهایت به تحلیل و بررسی ادله شرعی و اصول قواعد فقهی در این زمینه که در قرآن، سنت، سیره پیامبر و ائمه و در آنچه که به نقل یا توسط ایشان تقریر شده، دلایل عقلی و اصول و قواعد فلسفی مربوط به آن، پرداخته شده است.

۴. سعید شریف یزدی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان "راهکارهای حفظ محیط زیست با تکیه بر اصول اخلاق اسلامی" که به موضوع و هدف آن اشاره دارد، انجام داده است. این پژوهش به نقش ضروری حفظ محیط زیست در زندگی بشری می‌پردازد و آن را از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های بزرگ جوامع علمی در دوران کنونی دانسته است. این دغدغه از چالش‌های گوناگونی همانند بلندمرتبه‌سازی و بحران‌های آب و هوا، آب و خاک نشأت گرفته است. همچنین، به صورت اجمالی از تلاش حکومت‌ها و دولت‌های برای تحقق آن سخن به میان آورده است.

۵. سید احمد هاشمی علی آبادی (۱۳۹۸) در "تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم" با هدف تبیین نگاه قرآن، مهمترین مسئولیت‌های اخلاقی محیط زیستی که خدا برای انسان مشخص کرده را بررسی نموده است. در این مقاله، پژوهشگر هم به ارزش ذاتی، قداست و بعد معنوی و ملکوتی محیط زیست تأکید کرده است، هم ارزش ابزاری آن را مد نظر قرار داده است. در همین زمینه، یافته‌های تحقیق گویای این است که گرچه خلقت محیط زیست برای بهره‌مندی انسان بوده است، اما از نگاه قرآن استفاده صحیح، آبادانی، پرهیز از افراط و تفریط، جلوگیری از تخریب و آلوده‌سازی، توجه و رعایت به حقوق آیندگان، احترام و مهرورزی در برابر محیط زیست جزء تکالیف و وظایف ضروری انسان‌هاست.

چارچوب مفهومی-نظری

۱. محیط‌زیست

محیط‌زیست می‌تواند تعاریف مختلف از منظرهای گوناگون داشته باشد. در این تحقیق محیط‌زیست یعنی محیط زندگی آدمی و هر موجود زنده دیگر، از فضای خانه گرفته تا فضای کوچه‌ها خیابان‌ها پارک‌ها و فضاها سبز توقف‌گاه‌ها، جنگل‌ها، حاشیه نهرها، مراکز آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، خدماتی اداری عبادی و... محیط‌زیست به شمار می‌آیند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۸۹)

محیط‌زیست به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱. نباتی: گیاه‌ها و درختان

۲. حیوانی: تمام حیوانات

۳. جمادی: منابع زیرزمینی نفت و گاز و طلا و مس و آب و خاک

از آنجا که جهان هستی از جمله زمین و موجودات آن متعلق به خداست انسان نسبت به هیچ موجودی هیچ‌گونه مالکیتی و در نتیجه تغییر ندارد، انسان نمی‌تواند در هیچ‌یک از موجودات تصرف کند مگر با اجازه خداوند متعال که مالک حقیقی همه چیز است. بدین ترتیب مطابق قاعده عقلی مقبول و رایج انسان بدون اجازه خداوند که مالک حقیقی انسان و زمین در کل جهان است حق هیچ‌گونه تصرفی را ندارد هنگامی که اجازه تصرف داده می‌شود تنها در محدوده‌ای که تعیین و به‌گونه‌ای که اجازه داده شده است حق تصرف دارد؛ به عبارت دیگر همه آنچه انسان دارد همگی امانتی الهی است و انسان امانت دار خداوند است و تصرف ناروا در آن ظلم است (جوادی آملی ۱۳۹۱-۱۷۱).

خداوند در قرآن مجید، انسان را به توجه و تأمل در طبیعت دعوت می‌کند و بر آن اصرار می‌فرماید (محقق داماد، ۱۳۹۳، ۸۸، ۱۰۱). باید توجه داشت که از منظر اسلام و قرآن مجید سراسر هستی که جهان طبیعت جزئی از آن می‌باشد "آیت" و نشانه حق تعالی دانسته شده است در آیه ۵۳ سوره فصلت آمده است ما نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون

جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برایشان آشکار گردد که او حق است آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است. در آیه ۸۳ سوره آل عمران آمده است: «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبِغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ؛ جز دین خداوند را باز می‌گویند؟ با آنکه آنان که در آسمانها و زمین اند خواه‌ناخواه گردن نهاده‌ی فرمان اویند و به سوی او بازگردانده می‌شوند.» (آل عمران ۸۳)

از توجه و اهمیت دین اسلام به طبیعت، کتاب آسمانی قرآن کریم مظاهر مختلف طبیعت را موضوع سوگند خود قرار می‌دهد خداوند در آیات متعدد به بخش‌هایی از طبیعت همچون: خورشید، ماه، زمین، آسمان، ... قسم یاد می‌کند «و الشمس وضحاها والقمر اذا تلاها والنهار اذا جلاها والليل اذا يغشها والسماء وما بناها والارض وما طحاها.» زمانی که خداوند بدین‌گونه طبیعت را مورد سوگند قرار می‌دهد مؤید جایگاه و اهمیت ذاتی طبیعت در دین اسلام است.

۲. فیلم مستند

به نظر می‌رسد نخستین بار جان گریسون در سال ۱۹۲۶ این اصطلاح را ابداع نمود. از او به عنوان بنیانگذار و پدر سینمای مستند نام برده می‌شود. وی به هنگام تماشای فیلم موآنا که توسط رابرت فلاهرتی فیلم‌ساز آمریکایی ساخته شده است، از این اصطلاح استفاده کرد. گریسون مستند را گزارش و تفسیر خلاق واقعیت معرفی می‌کند. (نیکولز: ۱۳۸۹: ۲۵)

فیلم مستند گونه‌های متفاوتی دارد از جمله: مستند واقع‌گرا، مستند شاعرانه، مستند مشاهده‌ای، مستندهای انعکاسی، چهره‌نگاری (فیلم پرتره، علمی و آموزشی).

برای فیلم مستند تعاریف گوناگونی ارائه شده، برخی از آنها که دیدگاه فلسفی یا ایدئولوژیک خاصی دارند یا تاریخی‌ترند و یا بیشتر نقل و استناد می‌شوند عبارتند از:

برداشت خلاق از امر واقع: جان گریسون

شکار لحظات زندگی، سپس تدوین هدفمند و معنی‌دار آنها: زیگاورتوف - نظریه پرداز

بالاترین مرحله تکامل " سینمای واقعیت‌گرا " هنر مستند است که ادراک اولیه ما را به معنا و زیباشناسی " واقعیت " رهنمون می‌شود: هیلمار هوفمان - نظریه‌پرداز و پژوهش‌گر آلمانی سینما

فیلمی که زندگی واقعی انسان‌ها را به نحوی خلاق با توجه به شرایط اجتماعی آنها تصویر می‌کند: پل روتا - تاریخ‌نگار و نظریه‌پرداز انگلیسی سینما
هنر فیلم مستند، دادن نظمی دوباره به رویدادها و موضوعات جهان طبیعی است، آن‌گونه که خود می‌فهمیم یا آن‌گونه که می‌خواهیم باشند: هرمان واندر هورست - مستندساز هلندی

هنر فیلم مستند بیان هنرمندانه واقعیت‌های زندگی انسان‌ها و موضوعات طبیعی است: برت هانسترا - مستندساز هلندی (ضابطی جهرمی، ۱۳۹۳: ۳۵)

اگرچه اصطلاح "مستند" برای مشخص کردن صفت نوعی از فیلم، اصطلاح کلی و به نسبت مبهم است؛ اما آنچه این اصطلاح در وهله نخست به ذهن متبادر می‌کند، این است که موضوع مورد نظر واقعی است یا موضوعی که در فیلم به نمایش درآمده، واقعیت دارد (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

بنای فیلم مستند بر چهار ستون زیر استوار است:

۱. بر بیان حقیقت از طریق طرح حقایق یا تصویر کردن موضوعات واقعی
۲. بر اندیشه و دیدگاه مستندساز (یافته‌های او از موضوع و انگیزه یا هدفی که از مطرح کردن آن دارد)
۳. بر اعتبار شناخت و اطلاعاتی که محتوای فیلم در مورد موضوع به مخاطب می‌دهد (از این جنبه فیلم مستند وابستگی زیادی به تحقیق و کارشناسی موضوع یا محتوای آگاهی‌بخشی خود دارد).
۴. بر ابداع زیبایی‌شناسی به‌ویژه با بازنمایی‌های متنوعی که از واقعیت ارائه می‌کند.

خلق هنر از واقعیت (ضابطی جهرمی، ۱۳۹۳: ۳۸)

ویژگی‌ها و عناصر فیلم مستند عبارت است از:

۱- فیلم مستند بیشتر یک موضوع حقیقی را بدون استفاده عناصر نمایشی (بدون بازیگر حرفه‌ای، بدون صحنه‌آرایی و دکورسازی، بدون گریم، لباس و نورپردازی‌های نمایشی تصویر می‌کند).

۲- رویداد فیلم مستند در عالم واقع جریان دارد. (رویداد آن به طور معمول در فضایی واقعی و نه ساختگی شکل می‌گیرد، فضای پیش از فیلمبرداری فیلم‌های مستند، بیشتر جهان طبیعی یا جهان اجتماعی است).

۳- فیلم مستند به طور معمول عینیت را هدف قرار می‌دهد، نه ذهنیت یا فانتزی و تخیل.

۴- فیلم مستند با گذر از مرحله "بازنمایی" ساده و سطحی واقعیت (تقلید یا کپی کردن) و اقدام به "بازآفرینی" هنرمندانه و خلاقانه آن، جواز ورود به دنیای هنر را کسب می‌کند. (همان: ۳۹)

۳. مسئولیت اخلاقی

واژه «مسئولیت»، بیشتر به معنای وظیفه و عملی است که انسان عهده‌دارش می‌شود. (عمید، ۱۳۶۲: ۱۰۸۵) همچنین به معنای ضمانت و تعهد است. مسئولیت چیزی با کسی بودن؛ یعنی به گردن او، در عهده او، در ضمان و پابندی او بودن است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۴۶۵) مسئولیت اخلاقی یعنی انسان در برابر خداوند پاسخگوست و بخشی از این پاسخگویی مربوط به امانت‌های محیط‌زیستی و رابطه‌ی او با سایر موجودات است.

انسان خلیفه و جانشین خدا در زمین است و "چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت" **وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ**؛ و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خونها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت

بشر) می دانم که شما نمی دانید. (بقره ۳۰). موظف است کارهایی را انجام دهد که خداوند به او واگذار کرده است جانشین خدا در زمین، برای انجام دادن صحیح وظایف جانشرینی صلاحیت‌ها و امکاناتی لازم دارد، هر کس نمی‌تواند از عهده این کار خطیر برآید از این رو خداوند به او حواس پنج‌گانه عقل و اندیشه بخشید همه حقایق را به او آموزش داد و به زیور علم آراست. (جوادی آملی ۱۳۹۱-۲۷)

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر به دنبال یافتن چگونگی به کار بردن نشانه‌ها در جهت دلالت‌هاست، از این رو در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل نشانه‌شناسی استفاده می‌شود. روش نشانه‌شناسی یکی از روش‌های پژوهش کیفی است. در این روش، نشانه‌های زبانی یا رسانه‌ای مورد مطالعه قرار می‌گیرد و به شیوه‌های مختلف چگونگی تأویل آنها و ارتباط میان دال و مدلول نشانه‌ای بررسی می‌شود.

هدف از نشانه‌شناسی در این تحقیق این است که به کمک آن دلالت‌هایی برای تحلیل مستندهای تلویزیونی از منظر مسئولیت اخلاقی انسان در تعامل با محیط‌زیست شناسایی شود. در همین راستا، از میان گونه‌های مختلف نشانه‌شناسی، از روش نشانه‌شناسی پیرس استفاده خواهد شد. در روش پیرس، شناسایی این دلالت‌ها صرفاً معناشناسانه نیست که تنها به دنبال یافتن معانی کلمه‌هاست، بلکه هرآنچه مصداق نشانه باشد را بررسی می‌کند و ابعاد تفسیری آن گسترده‌تر است؛ بدین ترتیب در الگوی نشانه‌شناسی پیرس صداها، حرکات، ارتباطات غیرکلامی، اجزای تصویر و... و هرآنچه شأنیت دلالت پیدا می‌کند و همچنین چگونگی و فرایند دلالت آنها مورد توجه قرار می‌گیرد و بررسی می‌شود. پیرس انواع نشانه را به سه دسته عمده‌ی «شمایلی، نمایه‌ای و نمادین» تقسیم‌بندی می‌کند.

در تحلیل آثاری که مستلزم برداشت مخاطب است، لاجرم خود را «مخاطب نوعی» در نظر خواهیم گرفت و برداشت خود را عرضه خواهیم کرد. مثلاً هنگامی که می‌گوییم اثری واجد زشتی روان‌شناختی است، درواقع ادعایمان این است که اثر مذکور بر روان مخاطبان

تأثیر روانیِ بدی دارد و حس اشمئزاز و بیزارى در ایشان برمی‌انگیزد. در این مواقع، چاره‌ای نداریم جز اینکه خود را در مقام مخاطب نوعیِ این گونه آثار قرار دهیم و برداشت خودمان از این آثار را معیار قرار دهیم، البته با تلاش در لحاظ کردنِ ملاحظاتِ روش‌شناختیِ درست چنین برداشتی. (درآمدی به زیبایی‌شناسی زشتی محسن کرمی)

این تحقیق برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی استفاده می‌کند. روش‌های اسنادی در زمره روش‌های با سنجه‌های غیر مزاحم و غیر واکنشی به شمار می‌آید؛ زیرا با مشکل جمع‌آوری اطلاعات مواجه نیستیم. اطلاعات از قبل موجود هستند. (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۵۵) پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است. (مجدفر، ۱۳۸۲: ۲۷۶)

اسنادی که در این تحقیق بررسی می‌شود: شامل دو فیلم مادرکشی، کربال، است. این فیلم‌ها با توجه به پخش تلویزیونی از شبکه مستند از طریق آرشیو شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم رسانه ملی قابل دسترسی است. هرکدام از این ۲ فیلم از تیتراژ ابتدایی تا انتها جزء دایره و میدان تحقیق است اما با توجه به اهداف و سوالات تحقیق فقط سکانس‌هایی را تحلیل می‌کند که به موضوع مسئولیت اخلاقی انسان در تعامل با محیط‌زیست اشاره می‌کند.

یافته‌ها

۱. فیلم مستند مادرکشی

مستند "مادرکشی" با پژوهش و نویسندگی و کارگردانی کمیل سوهانی و تهیه‌کنندگی محمد شکبیا نیا در سال ۱۳۹۴ تولید شده است.

مستند "مادرکشی" نگاهی آسیب‌شناسانه به وضعیت حکمرانی آب در ایران دارد. این فیلم با رویکردی پژوهشی می‌کوشد ضمن به تصویر کشیدن مظاهر و نتایج بحران آب، علل مختلف به وجود آمدن این بحران در ایران را بررسی می‌کند.

سدسازی‌های بی‌رویه، دخالت در اکوسیستم طبیعی، حفر بی‌رویه چاه‌های عمیق، انتقال آب بین حوزه‌های آبریز، از بین رفتن منابع آب زیرزمینی، بهره‌وری پایین و

برنامه‌ریزی غلط در کشاورزی، جایگزینی مدیریت متمرکز دولتی به جای مدیریت مردمی و بومی، از مواردیست که در این مستند در تحلیل دلایل بحران آب به آن پرداخته می‌شود. در مستند مادرکشی به مفاهیمی مانند حفظ و محافظت از طبیعت، احترام به حقوق طبیعت و درست استفاده از منابع طبیعی اشاره شده است و بحران آب به شکل گسترده‌ای مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از دیدگاه نشانه‌شناسی پیرس، این بحران از طریق نشانه‌هایی از قبیل تصاویر، صداها و حرکات و عملکرد شخصیت‌ها بیان شده است.

۱- در این فیلم مستند می‌بینیم دریاچه بختگان که روزی مملو از آب بود به فاصله‌ی تنها ۱۰ سال کاملاً خشک شده است.

تصویر خشک شده‌ی دریاچه‌ی بختگان یک نشانه و یک دال شمایی می‌باشد. دلالت شمایی اینست که ما یک هیئت کلی از آن مسئله‌ی اصلی که در نظرمان هست را می‌خواهیم مخاطب توجه پیدا کند را به او نشان می‌دهیم. یک تصویر کلی که فقط چهارچوب‌های کلی آن را دارد. وقتی یک تصویر کلی از یک مکان که خشک شده نشان می‌دهیم و وارد جزئیات آن نمی‌شویم و قبل از آن تصویر گذشته‌ی آن را نشان داده‌ایم مخاطب این را درک می‌کند و خود می‌فهمد که تمام اجزای این مثلاً فلامینگوها و ماهی‌ها و قورباغه‌ها و... همه از بین رفته اند و خود در ذهنش می‌آورد که احتمالاً قوچ و میش و حیواناتی که در اطراف آن زیست می‌کردند هم به خاطر بی‌آبی از بین رفته‌اند. ما جزء را نشان نمی‌دهیم ولی همه‌ی جزءها در ذهن مخاطب خواهد آمد تمام اینها که به ذهن مخاطب می‌آید در واقع از طریق دلالت شمایی فیلمساز این کار را کرده است و ذهن ما جزئیات را به شمایل کلی اضافه می‌کند و در این تصویر هم یک تصویر کلی از خشک شدن دریاچه بختگان به ما نشان می‌دهد؛ ولی ما به عنوان مخاطب شروع می‌کنیم در ذهنمان جزئیات را به آن اضافه می‌کنیم و به نابودی خرچنگ‌ها و انواع ماهی‌ها فکر می‌کنیم. و حتی به درخت‌هایی که اطراف آن بوده و خشک شده است هم فکر می‌کنیم.

این تصویر از طریق نشانه و دال شمایی مسولیت اخلاقی انسان‌ها در قبال محیط‌زیست را به ما گوشزد می‌کند. هم گوشزد می‌کند که ۱- ما انسان‌ها مسولیت قبلی

خودمان را انجام ندادیم و ۲- برای جلوگیری از نابودی بیشتر و دیگر دریاچه‌ها و مراقبت از آن‌ها مسئولیت داریم و ۳- یادآوری می‌کند که برای احیاء آن مسئولیت داریم. در واقع با این تصویر هر سه سطح مسولیت اخلاقی را به ما گوشزد می‌کند. یکی در سطح اول خیلی قبل‌تر، بی‌رویه برداشت کرده ایم بی‌رویه و بدون حساب و کتاب و فکر و برنامه ریزی شده در مصارف کشاورزی مصرف کرده ایم. سطح دوم اینکه مراقبت و محافظت هم نکرده ایم و حالا در سطح سوم حالا که اوضاع طبیعت و دریاچه به احتضار افتاده وظیفه اخلاقی و فوری انسان اینست که از خسارت بیشتر و از نابودی دیگر دریاچه‌ها جلوگیری کرده تا خسارت بیشتر به محیط زیست نرسد، و همینطور به سمت احیا کردن دریاچه‌ها و تالاب برویم.

در حال حاضر دریاچه‌ی بختگان برای احیا و برگشت کم‌کم به روال سابق به حداقل ۲۵۰ میلیون متر مکعب حق‌آبه نیاز دارد. این امر به مسئولین و حاکمیت گوشزد می‌کند که به مسولیت اخلاقی خود در جلوگیری از مصرف بی‌رویه و مدیریت منابع توجه نکرده‌اند و با ساختن سدهای غیرکارشناسی شده و بی‌مورد باعث از بین رفتن دریاچه شدند و حتی در موقعی که شرایط دریاچه رو به وخامت و احتضار بود نیز کاری ترتیب ندادند حداقل اکنون به مسولیت اخلاقی خود عمل کنند و دریاچه‌ی بختگان را احیا کنند. تا کشاورزهایی که شغل آنها نابود شده است دوباره به حالت و شرایط قبل برگردد.

تدوین این صحنه به مطلبی که اشاره کردیم کمک کرده است؛ به این صورت که تصویر گذشته‌ی دریاچه بختگان را دیزالو کرده است به تصویر خشک شده‌ی دریاچه که این دیزالو هم مفهوم مرور زمان، و هم سرعت گذشت زمان نابودی را به خوبی می‌رساند. به خاطر همین تدوینگر از کات استفاده نکرده است.

در تصویر و جای‌گذاری دوربین در هر دو نما، فیلمساز سعی کرده به‌طور دقیق پلانی که ده سال قبل در آرشیو موجود بوده را، و دوربینش را همان‌جا بگذارد و از همان زاویه بگیرد تا مفهوم دال شمایی را به مخاطب منتقل کند. و با این پلان قبل و بعد از یک زاویه، مخاطب را به این درک می‌رساند که مسولیت اخلاقی او ایجاب می‌کند که مانع از بین رفتن و نابودی محیط زیست شود.

نریشن در این فیلم مستند، با صدایی که حس ناامیدی دارد و گویا اتفاق فاجعه آمیزی رخ داده، خواننده شده است. به طور مثال در ابتدای فیلم گفتار متن اینگونه آغاز می شود: روزگاری آنکه می خندید هنوز خبر بد را نشنیده بود، اما ما ساکنان شهر دیرزمانیست خبر بد را شنیده ایم و همچنان می خندیم.

صدا حزنی دارد و این حزن با محتوایی که فیلم براساس آن ساخته شده است تناسب دارد و به اصطلاح، یکی بودن فرم و محتوا به طور دقیق رعایت شده است. متن گفتار صمیمی و خودمانی نیست و سنگین و جدی می باشد؛ چرا که مخاطب در این فیلم به خاطر شرایطی اسفباری که روایت می شود، خود مورد اتهام است.

۲- تصویر دیگری که مورد تحلیل قرار می گیرد تصویر یکی از روستاهای خالی از سکنه است. روستای سلی لک همدان یکی از روستاهای خالی از سکنه‌ی کشور است که ساکنینش به حاشیه شهرها مهاجرت کرده اند.

روستایی که همه‌ی خانه‌ها سقف و دیوارهایش خراب شده و ساکنین آن نه بخاطر سیل و زلزله، بلکه به خاطر بی آبی مهاجرت کرده اند. این تصویر نشانه و دال نمایه‌ای است.

دال نمایه‌ای یعنی بخشی از یک کلی را نشان می دهیم و مخاطب با دیدن جزء می تواند کل آن را تصور کند. مخاطب با درک مفهومی از یک جزء به مفهوم کل یک تصویر پی می برد و در این تصویر هم اینگونه است که تصویر خانه‌ای مخروب حکایت از این دارد که اگر انسان مسئولیت اخلاقی خود را در مصرف آب انجام ندهد روستاها و شهرهای دیگر نیز قابل سکونت نخواهد بود و ساکنین آن باید از محل زندگی خود مهاجرت کنند. این تصویر نمایه‌ای نشان می دهد که این خانه‌ها جزئی از یک کل هستند که در معرض خطر هستند. در این تصویر با دلالت نمایه‌ای به ما گوشزد می کند که در برابر غیرقابل سکونت شدن شهرها و روستاها و جایی که زندگی می کنیم مسئولیت داریم؛ چنانکه اگر مردم این روستا که مهاجرت کرده اند و خانه‌هایشان را رها کرده و اینگونه تخریب شده است، به وظیفه و مسئولیت اخلاقی که داشته اند عمل می کردند، در حال حاضر شرایطشان بدین گونه رقم نمی خورد و مجبور به ترک خانه و زندگی خود نبودند.

در صحنه‌ای که این پلان‌ها فیلمبرداری شده است دوربین همچون POV یک گردشگر است که برای بازدید، از کوچه‌ها عبور می‌کند و به خانه‌های مخروطی نگاه می‌کند. سوژه‌ای که درون قاب است به دوربین نگاه می‌کند و رو به دوربین که گویا شخصیتی است صحبت می‌کند.

لول دوربین هم سطح چشمان یک انسان است و به اصطلاح سینمایی eye level است. در معنی و مفهوم این زاویه اینست که واقعیت را به تصویر می‌کشد و فیلمبردار با پایین یا بالا بردن دوربین قصد اغراق ندارد و آنچه را که هست به صورت رئال و بدون اغراق نشان می‌دهد. در فیلم‌های مستند نمای eye level مرسوم و مناسب است.

۳- تصویر دیگری که می‌توان مورد تحلیل قرار داد تصویری است که در دقیقه ۶۹ فیلم می‌باشد. تصویر شلنگ تانکر آب است که مخزن‌های کوچک خانه‌ها را پر از آب می‌کند. این یکی از روستاهای چهارمحال بختیاری است.

این تصویر دال و نشانه‌ی نمایه‌ای می‌باشد. همانطور که در بالا توضیح داده شد این تصویر جزئی از یک کل است که نشان داده شده است. این یکی از روستاهاست که با بحران آب مواجهه دارند و از این بحران رنج می‌برند. این تصویر مسئولیت اخلاقی را به انسان یادآوری می‌کند که اگر در گذشته به وظایف و مسئولیت اخلاقی خود توجه کرده بود و مصرف بی‌رویه نداشت اکنون با بحران آب روبرو نبود. بنابر روایات و آیات قرآن کریم که در موضوع اسراف تاکید شده است، به انسان گوشزد می‌کند که اسراف نعمت را از بین می‌برد. و این تصویر عاقبت عدم توجه انسان به مصرف بهینه و نیز اسراف می‌باشد که ممکن است فردا روز گریبان‌گیر انسان‌هایی بشود که نسبت به مسئولیت اخلاقی خود در استفاده از منابع بی‌تفاوت هستند خواهد گرفت. و این تصویر برای آنها هم اتفاق خواهد افتاد.

تصویر نمایه‌ای به انسان این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که در گذشته الگوی مصرف را رعایت نکردید پس به فکر جلوگیری از بحران بیشتر باشید، که همین آب که با تانکر به خانه‌ها می‌آید نیز از بین نرود. اگر در گذشته میزان داشته و میزان استفاده‌ی ساکنین توسط سازمان و نهاد حاکمیتی مدیریت می‌شد، و به مسئولیت اخلاقی که در قبال مصرف و حفظ

آب عمل می‌شد الان درگیر قطعی آب و از بین رفتن منابع آبی این روستا نمی‌شد. پس این دال نمایه‌ای تاکید می‌کند که دیگر انسان‌ها نسبت به مسئولیت اخلاقی که در قبال محیط‌زیستشان دارند عمل کنند و از هدر رفت و نابودی منابعشان جلوگیری کنند.

دوربین در این پلان روی دست است و از کنار فلکه‌ی تانکر، از ابتدا تا انتهای شلنگ حرکت می‌کند تا آنجا که دبه‌ها در حال پر شدن هستند. این پلان تداوم دارد و بدون کات خوردن به پلانی ضبط شده است تا مفهوم کمبود آب که از تانکر به خانه می‌رسد را بیشتر مورد توجه قرار دهد.

۲. فیلم مستند کربال

این فیلم مستند، پرتوی شخصیتی به اسم سیروس زارع است. او فعال اجتماعی و زیست‌محیطی اهل روستای کمجان شهرستان خرامه در استان فارس است که با وجود خشکسالی با همت اهالی روستا اقدام به احیای تالاب کمجان کرده است. این فیلم به کارگردانی سیدمصطفی موسوی تبار در سال ۱۳۹۹ می‌باشد.

۱- تصویر تالابی که روزی پر از آب بوده و پر از پرنده‌های مهاجر و زیست‌گاه پرنده‌ها بوده و کشاورزان از این آب برای کشت محصولاتشان استفاده می‌کردند. این تصویر در دقیقه ۱۲:۰۸ فیلم می‌باشد و تصویر دیگری اوضاع امروز تالاب است که دچار خشکی شده و دیگر خبری از پرنده‌ها و حیوانات نیست. این تصویر در دقیقه ۱۲:۳۸ فیلم می‌باشد. این تصویر دال شمایی می‌باشد.

دلالت شمایی اینست که ما یک هیئت کلی از آن مسئله‌ی اصلی که در نظرمان هست را می‌خواهیم مخاطب توجه پیدا کند را به او نشان می‌دهیم. یک تصویر کلی که فقط چهارچوب‌های کلی آن را دارد. وقتی یک تصویر کلی از یک مکان که خشک شده نشان می‌دهیم و وارد جزئیات آن نمی‌شویم و قبل از آن تصویر گذشته‌ی آن را نشان داده‌ایم مخاطب این را درک می‌کند و با خود اندیشه می‌کند که تمام اجزای این تالاب‌ها از بین رفته‌اند. مثلاً فلامینگوها و ماهی‌ها و قورباغه‌ها و... همه از بین رفته‌اند و خود در ذهنش

می‌آورد که احتمالاً قوچ و میش و حیواناتی که در اطراف آن زیست می‌کردند هم به خاطر بی‌آبی از بین رفته‌اند. ما جز را نشان نمی‌دهیم ولی همه‌ی جزها در ذهن مخاطب خواهد آمد تمام اینها که به ذهن مخاطب می‌آید در واقع از طریق دلالت شمایی فیلمساز این کار را کرده است. و ذهن ما جزییات را به شمایل کلی اضافه می‌کند و در این تصویر هم یک تصویر کلی از خشک شدن تالاب‌ها را به ما نشان می‌دهد، ولی ما به عنوان مخاطب شروع می‌کنیم در ذهنمان جزییات را به آن اضافه می‌کنیم و به نابودی خرچنگ‌ها و انواع ماهی‌ها فکر می‌کنیم. حتی به درخت‌هایی که اطراف آن بوده و خشک شده است هم فکر می‌کنیم. حتی به آدم‌ها و کشاورزان که از طریق آب این تالاب‌ها محصولات را می‌کاشتند و از این طریق درآمد زندگیشان فراهم می‌شد نیز با خشک شدن تالاب‌ها بی‌کار شده‌اند و منابع درآمدیشان از بین رفته است. به دامدارانی که دامشان از این تالاب‌ها سیراب می‌شدند و یا گیاه‌هایی که در کنار این زهکش‌ها می‌روید و دام‌ها با این علوفه‌های خود رو سیر می‌شدند هم از بین رفته‌اند و به تبع دام‌ها ذبح شده‌اند و صاحبان آن‌ها درگیر بیکاری و بی‌پولی و بعد مجبور به مهاجرت شده‌اند. و خانواده‌هایی که زندگیشان تحت تأثیر خشک شدن این تالاب‌ها قرار گرفته است بسیار زیاد می‌باشد؛ زیرا که از سالهای دور، روستاها با آب این تالاب‌ها زندگیشان می‌گذشت و حالا با خشک شدن تالاب‌ها کشاورزی و دام‌پروری که از شغل اصلی روستاییان می‌باشد، نابود شده است.

این تصویر از طریق نشانه و دال شمایی مسئولیت اخلاقی انسان‌ها در قبال محیط‌زیست را به ما گوشزد می‌کند. هم گوشزد می‌کند که ۱- ما انسان‌ها مسئولیت قبلی خودمان را انجام ندادیم ۲- برای جلوگیری از نابودی بیشتر و دیگر دریاچه‌ها و مراقبت از آن‌ها مسئولیت داریم ۳- یادآوری می‌کند که برای احیاء آن مسئولیت داریم. در واقع با این تصویر هر سه سطح مسئولیت اخلاقی را به ما گوشزد می‌کند. یکی در سطح اول خیلی قبل‌تر، بی‌رویه برداشت کرده‌ایم بی‌رویه و بدون حساب و کتاب و فکر و برنامه ریزی شده در مصارف کشاورزی مصرف کرده‌ایم سطح دوم اینکه مراقبت و محافظت هم نکرده‌ایم و حالا در سطح سوم حالا که اوضاع طبیعت و دریاچه به احتضار افتاده وظیفه اخلاقی و فوری

انسان اینست که از خسارت بیشتر جلوگیری کرده و از نابودی دیگر دریاچه‌ها جلوگیری کرده تا خسارت بیشتر به محیط‌زیست نرسد و همین‌طور به سمت احیا کردن دریاچه‌ها و تالاب برویم.

۲- تصویر دیگر تصویر یک سد است که وجود این سازه باعث از بین رفتن رودخانه‌ها، تالاب‌ها و زهکش‌ها در مناطق مختلف پایین دست این سد شده است. این دال نمایه‌ای است دال نمایه‌ای یعنی بخشی از یک کلی را نشان می‌دهیم و مخاطب با دیدن جزء می‌تواند کل آن را تصور کند. مخاطب با درک مفهومی از یک جزء به مفهوم کل یک تصویر پی می‌برد و در این تصویر هم اینگونه است با دیدن خشک شدن زهکش‌ها و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی یک روستا پی به این مسئله می‌برد که فقط این روستا نیست که ساکنینش دامداری و کشاورزی شان از بین رفته و بیکار شده‌اند بلکه روستاها و تالاب‌های دیگر که تحت تأثیر سدها قرار گرفته‌اند نیز به همین اوضاع گرفتار شده‌اند.

این تصویر از طریق نشانه و دال نمایه‌ای مسئولیت اخلاقی انسان‌ها در قبال محیط‌زیست را به ما گوشزد می‌کند. به مردم اینگونه گوشزد می‌کند که در انتخاب نماینده‌های مجلس و شورا و... باید فکر شده رای بدهید که او با تصمیمات غلطش محیط‌زیست را به خطر نندازد و ما در مسولیت اخلاقی داریم برای حفظ محیط‌زیست در رای دادن بیشتر به این امر توجه کنیم.

و نیز به مسئولین و تصمیم‌گیرندگان حکومت این گوشزد را می‌کند که در قبال محیط‌زیست مسئول هستند و بدون پژوهش و بررسی‌های لازم صرفاً در جهت منافع مالی کشور یا واسطه‌ها و سازمان‌های دیگر حق نابودی تالاب‌ها و رودخانه‌ها و چشمه‌ها را ندارند. با تصمیمات غلط و مجوزها و حمایت‌های اشتباه باعث نابودی شغل‌ها و دام‌ها و کشاورزی مردم مناطق مختلف می‌شوند و مسئولیت اخلاقی ایجاب می‌کند که خود را موظف به حفاظت از محیط‌زیست بدانند. و در سطح بعدی این نکته را بیان می‌کند که حالا که تصمیمات غلط گرفتید و اشتباهی تصمیمات را اجرا و حمایت کردید و باعث نابودی کشاورزی شدید، حالا مسئولیت اخلاقی ایجاب می‌کند که گذشته را جبران کنید و تالاب‌ها

را احیا کنید. رودخانه‌ها را جاری کنید تا مردم دوباره بتوانند به دامداری و کشاورزی مشغول شوند. این دال و نشانه نمایه‌ای به مسولین یادآوری می‌کند که حالا که مسئولیت قبلی خودتان را انجام ندادید، الان از تخریب و نابودی دیگر مناطق و خسارات بیشتر به محیط‌زیست جلوگیری کنید و برای احیای تالاب‌ها تصمیمات درست بگیرید و براساس پژوهش دقیق اقدام کنید.

۳- تصویری از تالاب کمجان در فیلم است که روزی پر از آب بوده و محل زیست مرغابی‌ها و پرندگان مهاجر بوده است اما به دلیل عدم ورود آب به تدریج خشک می‌شود و مشکلات عدیده‌ای و زجرآوری برای مردم ایجاد می‌شود. بعد از این اتفاق و بروز اتفاقات ناگوار برای مردم، آقای سیروس زارع تصمیم می‌گیرد برای رفاه مردم و برای حفظ از محیط‌زیست، دوباره تالاب را احیا کند. او به تنهایی مشغول کار و فعالیت می‌شود و کم‌کم نشانه‌هایی از احیا شدن دوباره تالاب، مردم روستا به کمکش می‌آیند و دست به دست هم می‌دهند و زهکش‌ها را لایروبی می‌کنند و کم‌کم تالاب جان تازه‌ای می‌گیرد.

این تصویر یک دال و نشانه‌ی نمایه‌ای است. دال نمایه‌ای در اینجا اینگونه معنا می‌شود که این جزیی از کل اتفاقات خوب داشتن محیط‌زیست سالم است. اگر محیط‌زیست آسیب نبیند هم مردم در کمال آرامش و امنیت غذایی زندگیشان را می‌گذرانند و هم حیوانات در امنیت هستند و نسل آنها مورد تهدید واقع نمی‌شود و هم جنگل‌ها و پوشش گیاهی مناطق مختلف دچار آسیب نمی‌شود. و این دال و نشانه‌ی نمایه‌ای به ما مسئولیت اخلاقی را اینگونه یادآوری می‌کند که درست است که به خاطر انجام ندادن مسئولیت اخلاقی مردم باعث از بین رفتن تالاب شد و از آن محافظت نشد، اما در سطح بعدی مسئولیت اخلاقی که همان احیا دوباره بود مردم با همت و تلاش مضاعف به مسئولیت اخلاقی خود برای احیا دوباره محیط‌زیست عمل کرده و در کنار هم تالاب را احیا کرده‌اند. که هم کشاورزی رونق بگیرد هم پرورش دام و هم برگشتن پرندگان مهاجر و رویش دوباره پوشش گیاهی که از بین رفته بودند. مستند با موضوع محیط‌زیستی سراغ یک شخصیت که در احیای دوباره‌ی تالاب تأثیرگذار بوده رفته است. فیلم ابتدا شخصیت را معرفی می‌کند بعد مسئله فیلم را مشخص

می‌کند و بعد جغرافیای موضوع فیلم مشخص می‌شود. شخص و مسئله‌ی فیلم یک خطی و بدون اوج و فرود و جذابیت روایی پیش می‌رود و فیلمساز در یک فضای آرام و بدون کنش مسئله‌اش را به تصویر بکشد که همین امر فیلم بسیار پرگفت‌وگو و نزدیک به یک مستند گزارشی شده است. و مسئله‌های مختلفی در فیلم به آن اشاره می‌شود که هر کدام قابلیت کمک کردن و ایجاد درام و کشمکش و بالابردن اهمیت مسئله را داراست؛ اما به‌راحتی از کنار آن عبور می‌کند به‌طور مثال: سختی‌هایی که شخصیت در راستای قانع کردن مردم و عمل به مسئولیت اخلاقی برای احیای تالاب می‌توانست در فیلم دیده شود و یا شکایت سازمان محیطزیست به‌خاطر دخالت در کار آن نهاد و درگیری و رفت و آمد شخص در دادگاه جهت عقاب شدن برای یک عمل خوبش، خود یک ماجرای پر تعلیقی می‌توانست در فیلم باشد.

یا مشکلات و مشقت‌هایی که مردم با از دست دادن دام و کشاورزی متحمل شده‌اند می‌توانست پیوند عمیق‌تری با مسئولیت اخلاقی داشته باشد و این مشکلات و فقر و بیکاری مردم بیشتر به آن پرداخت شود تا عمق فاجعه‌ی خشک شدن تالاب بیشتر برای مخاطب احساس شود و حس مسئولیت اخلاقی مخاطب را برای حفاظت از منابع آبی تقویت کند. و درخر فیلمساز تلاش کرده با بازسازی تصاویری بخش‌بخش بودن تالاب را برای مخاطب تداعی کند؛ اما این بحران به خوبی در تصویر و روایت منتقل نمی‌شود. مستند کربال به گونه‌ی گزارشی نزدیک شده است هرچند که تلاش شده که تعاملی پیش برود و روایت شود.

دوربین در یک جا در سقف نصب می‌شود و شخصیت را درحالی‌که مشغول کار است را نشان می‌دهد. این پلان و این تصویری هیچ توجیهی در راستای ساختار و روایت فیلم ندارد و دلیلی ندارد که دوربینی که از ابتدا در یک سطح بوده یکباره به سقف بچسبد و صرفاً جهت زیبایی بوده و دست کارگردان در اثر دیده می‌شود و یکباره فضای تصویری را متفاوت می‌کند و این امر باعث ایجاد فاصله‌گذاری و بیرون آمدن مخاطب از حس فیلم می‌شود در صورتی که فیلم مستند ذاتاً به درگیری حسی و ارتباط دائمی مخاطب در طول فیلم نیاز دارد.

فیلم نریشن ندارد.

صداگذاری خاصی نشده است در صورتی که برای فضاسازی به صدای آب و جاری شدنش در تالاب و صدای پرندگان در تالاب احیا شده نیاز داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

تلویزیون در راستای عمل به هنجارهای رسانه‌ای و ایفای نقش پیرامون مسئولیت اخلاقی در قبال محیط‌زیست، برنامه‌های مختلف را در قالب‌های مختلف تولید و پخش کرده است. یکی از این قالب‌ها مستند است، و چون بیشتر مستندها دارای کارکرد اطلاع‌رسانی و آموزش هستند، به‌عنوان یک پژوهش تصویری جایگاه مهمی در تلویزیون دارند.

از این‌رو هم‌زمان با به‌خطر افتادن محیط‌زیست، تولید مستندهای تلویزیونی درباره‌ی محیط‌زیست مورد توجه فیلمسازان قرار گرفت. از سوی دیگر منابع دینی شیعه همواره به مسئولیت‌های انسان در برابر محیط‌زیست تاکید داشته است. بدین ترتیب فیلمسازانی که دغدغه‌ی دینی دارند لازم است در راستای حل مشکلات و مسایل محیط‌زیست این‌گونه فیلم‌های مستند را با کیفیت بالاتری تولید نمایند.

این‌گونه فیلم‌ها می‌تواند باورها و جهان بینی محیط‌زیستی مخاطبان را تصحیح نماید و در مسیر درستی قرار دهد و رفتارهای آنان را اصلاح کند. در این میان لازم است مستندهای تلویزیونی از طریق رویکردهای خلاقانه محتوایی و ساختاری مفاهیم مرتبط با محیط‌زیست و مسئولیت اخلاقی انسان را به جامعه‌ی مخاطب انتقال دهد.

براساس آنچه گفته شد، این پژوهش با هدف تحلیل مستندهای تلویزیونی از منظر مسئولیت اخلاقی انسان در تعامل با محیط‌زیست انجام شد. و برای پاسخ به پرسش اصلی، چگونگی مسئولیت اخلاقی انسان در مستندهای منتخب، در مواجهه با طبیعت حیوانی، جمادی و نباتی را بررسی کرد.

با توجه به مضامین موجود در فیلم‌های مستند مسئولیت‌های اخلاقی در برابر محیط‌زیست در دو سطح قابل تقسیم است. ۱ سطح حاکمیتی ۲- سطح مردمی که البته این

دو در پیوند یکدیگر و باهمدیگر معنا پیدا می‌کند. در سطح اول موضوعاتی همچون تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری غلط دانش ناکافی تعارض منافع و عملکرد جزیره‌ای و عدم ارتباط دستگاه‌ها و سازمان‌ها با یکدیگر سبب چالش‌ها و بحران‌های عظیم محیط‌زیستی شده است. بدتر آنکه فیلم‌هایی مانند مادرکشی اجازه انتشار نداشته و توقیف بوده است. این یعنی عدم توجه و التزام برخی از دستگاه‌های حاکمیتی به هنجارهای رسانه‌ای در تقابل با اخلاق زیست محیطی و مسئولیت‌های مرتبط با آن است. و در سطح دوم مصرف بی‌رویه، فرهنگ غلط مصرفی، ناآگاهی از عواقب تخریب محیط‌زیست، و دانش ناکافی درباره میزان و نحوه استفاده از محیط‌زیست منجر به ایجاد یا تقویت بحران‌های زیست محیطی شده است. بدتر آنکه محصولات رسانه‌ای در خوری تولید نشده تا مسئولیت‌های اخلاقی زیست محیطی را به تصویر بکشد و گوشزد کند.

در فیلم مستند "مادرکشی" با نشان دادن شرایط مناسب محیط‌زیست در حدود ۲۰ سال قبل، به مخاطب حس خوب داشتن محیط‌زیست سالم منتقل می‌شود و بعد با به تصویر کشیدن شرایط نامناسب آبی و منابع زیرزمینی و فرونشست‌ها و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها در طی این سال‌ها، عدم عمل به وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی انسان‌ها در قبال محیط‌زیست به خوبی فهم و ادراک می‌شود. در مقایسه شرایط متفاوت دو حالت، مخاطب بادیدن تصاویر با خود اندیشه می‌کند که کاش در حفاظت و مراقبت از این همه منابع خدادادی سعی و تلاش می‌شد، چه سیاستمداران در تصمیم‌گیری‌های اشتباه که رودخانه‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌ها از بین رفته است و چه مردم در مصرف بی‌رویه در مصرف آب، و کشاورزان در حفر چاه‌های عمیق غیرمجاز و آبیاری بی‌ضابطه، همه‌ی این عوامل دست به دست هم داده و هر یک خودخواهانه و در راستای منفعت فردی و نه منفعت جمعی، دست به تخریب و نابودی محیط‌زیست زده است. در این فیلم مستند بیشتر دلالت‌ها نمایه‌ای بودند و فیلمساز چون از مقایسه در بیشتر صحنه‌ها و سکانس‌ها، استفاده کرده است در تحلیل آنها با تعریف و معیار نمایه‌ای مواجه هستیم و با این مفهوم نشانه‌نمایه‌ای تصاویر را تحلیل کرده‌ایم. و نیز تعداد محدودی دال شمایی قابل تحلیل و بررسی بوده است که اشاره شده است.

بنابر تعریفی که از ساختار فیلم مستند در بخشی از تحقیق اشاره شد نقاط قوت این فیلم پژوهش دقیق و جامع این موضوع و مسئله (بحران محیط‌زیست) بوده است و نیز کارگردانی و تصویری کردن متن پژوهش بسیار مناسب بوده و درام و کشمکش و اوج و فرودهای متناسب با ساختار فیلمنامه رعایت شده است و فیلم در صرفاً در پژوهش نمانده بلکه متن پژوهش در ساختار فیلمنامه آمده که در یک بستر لایه لایه‌ای ساختار فیلمنامه، اطلاعات پژوهش به مخاطب منتقل می‌شود. مستند "مادرکشی" به یکی از سوالات اصلی در تحقیق به درستی جواب داده است. مسئولیت اخلاقی انسان در مواجهه با طبیعت جمادی در مستند مادرکشی، پاسخ داده شده است.

مهمترین نقطه ضعف فیلم، به نظر انبوه اطلاعات است. موضوعات مختلفی که هر کدام به صورت فشرده و در صحنه‌ها و سکانس‌های مختلف به مخاطب ارائه می‌شود. و نکته‌ی دیگر اینست که این فیلم کمتر به مصرف بی‌رویه و اسراف انسان‌ها پرداخته و فقط از منظر عدم مدیریت حاکمیتی به بحران پرداخته است که می‌توانست در ضمن بیان این مسئله به اسراف و پیروی نکردن شهروندان از الگوی صحیح مصرف نیز بپردازد.

در فیلم مستند "کُربال" ما با یک شخصیت مواجه هستیم که ساکن روستا بوده و با خشک شدن تالاب کمجان کشاورزی و دامداریش از بین رفته و این امر باعث سختی و مشقت درآمد زندگیش شده است. او تصمیم می‌گیرد درباره تالاب را احیا کند و با هر مانع و مشکلی که در این راه وجود دارد مبارزه کند، به طوری که بچه‌های او اینگونه تصور می‌کنند که تالاب را بیشتر از آنها دوست دارد که شبانه روز سالهای سال عمر و جوانی و زندگیش را برای احیای تالاب صرف کرده است.

نقطه قوت فیلم در پرداختن به احیای محیط‌زیست است. ایده‌ای که می‌تواند در موضوعات مختلف محیط‌زیست به آن پرداخت و فیلم ساخت و از این طریق مسئولیت اخلاقی انسان‌ها در برابر حفاظت و نگهداری و حتی احیا و بازگشت از دست رفته‌ها را یادآوری کرد. یادآوری به انسان‌ها که می‌توان برای احیا اقدام کرد و این تصور که تالاب یا دریاچه و یا هر مسئله‌ای که خشک و نابود شده را نمی‌تواند احیا کرد را باطل می‌کند. صرف

پرداختن به همین ایده و شخصیتی که اقدام به برگشت دادن محیط‌زیست به روال قبل تلاش می‌کند از نقاط مثبت فیلم و فیلمساز می‌باشد.

اما نقطه ضعف فیلم نزدیک نشدن به سوژه و زیست نداشتن فیلمساز در طول ساخت فیلم است که لحظه‌های واقعیت محض از تلاش‌ها و موانع بسیار شخصیت در این مسیر، را به تصویر نکشیده است و صرفاً به گزارش آنچه در طول سالیان براو گذشته است بسنده کرده و به جز چند فریم عکس از گذشته سند قابل توجهی در فیلم ارائه نمی‌شود. سال‌های طولانی تلاش شخصیت برای احیای تالاب در فیلم تاکید نشده است که یک نفر چه عمری برای آن صرف کرده در صورتی که می‌توانست به کار اقتصادی دیگری پردازد و به منفعت مالی شخصی و فردی برسد؛ اما در جهت منفعت جمعی عمر و زندگی خود را گذاشته است و فقط با صحنه‌ای با اشاره به اینکه فرزندانش از او گلایه می‌کنند که کمتر با آنها وقت گذرانده از این موضوع بسیار مهم عبور کرده است. در این فیلم از دلالت نمایه‌ای استفاده شده است. در فیلم مستند بیشتر دال نمایه‌ای استفاده می‌شود و در این فیلم به خاطر اینکه با گذشته مقایسه شده است دال نمایه‌ای کاربرد دارد.

با توجه به مضامینی که در فیلم‌ها وجود دارد این دو فیلم مستند به بایدها و نبایدهایی که از نظام اجتماعی و فرهنگی ما برخاسته، عمل کرده و در مجموع در نظام هنجاری رسانه‌ای نمره قبولی می‌گیرند و این الگویی می‌تواند باشد برای مستندسازان که بر طبق این بایدها و نبایدها و هنجارها در حوزه ی محیط‌زیست فیلم تولید کنند.

منابع

۱. تابشان، زهرا (۱۳۹۶). تعامل انسان و محیط‌زیست در حوزه‌های اخلاق فلسفی و فلسفه اخلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یاسوج.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات. قم: إسرائ.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۴. ساروخانی، محمداقرا (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
۶. شریف یزدی، سعید (۱۳۹۶). راهکارهای حفظ محیط‌زیست با تکیه بر اصول اخلاق اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه معارف اسلامی قم.
۷. ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۸۷). سی سال سینما. تهران: نی.
۸. ضیایی‌فر، علی اکبر (۱۳۹۵). بررسی مبانی فقهی حفظ محیط‌زیست. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.
۹. مجد، مهرداد (۱۳۹۷). مطالعه رویکرد زیست‌محور در تعلیم و تربیت بر مبنای دیدگاه اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان تهران.
۱۰. مجدفر، فاطمه (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی عمومی. تهران: شعاع.
۱۱. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۳). الهیات محیط‌زیست. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۲. هاشمی علی‌آبادی، سید احمد (۱۳۹۸). تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط‌زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم. پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۰(۳۹): ۹۲-۱۰۹.

<https://doi.org/10.22054/rjqk.2020.41550.1903>